

OCTOBER

۱۰۳

اکتبر

شهریور ۱۳۸۵ ۲۳ اوت ۲۰۰۶ دبیر کمیته کردستان: حسین مراد بیگی (جمه سور)

سردبیر: عبدالله شریفی

کشتار مردم لبنان و ویران ساختن جامعه لبنان توسط اسرائیل و آمریکا در ۵ هفته گذشته، بار دیگر روش و سنت منصور حکمت در دفاع از جامعه انسانی را طلب میکند.

در مقابل راه حل ریاکارانه و حب ناسیونالیسم چپ در این ماجرا بار دیگر باید راه حل منصور حکمت و متد او را با قطعیت قرار داد.

در اینجا چند کلیپ از جزوه (فقط دو گام به پس) را تجدید چاپ میکنیم به این امید که شما عزیزان را به بازخوانی جزوه (فقط دو گام به پس) اثر منصور حکمت، به منظور شناخت راه حل های قابل انتخاب در جریان جنگ جاری دعوت کرده باشیم.

اکتبر

در این مورد که "باید به عراق هم برخورد شود" مطالبی آمده و لذا منجم بعنوان کسی که معتقد بود در آن مقطع "نمیبایست به عراق برخورد شود" امکان پیدا میکنم جوابم را برای ایشان هم تکرار کنم

مساله گذشته است، باز یک سلسله از "گفته‌ام" ها تحویل خواننده میدهد. واقعیت امر در این مورد را قبلا توضیح دادم و اینجا از این میگذرم بهرحال امروز یکسال پس از اشغال کویت نوشته‌ای از ایشان وجود دارد که در آن در مورد اختلاف شان با دفتر سیاسی

میکند، یک شرطکار سیاسی در این دوره و زمانه است. البته شرط تشخیص درست امتدادهای ناگفته اینست که شما چهارچوب فکری فرد و مصالحی را که این عدم صراحت را ایجاب کرده‌اند را بردستی و بر مبنای یک تحلیل عینی بشناسید. تأییدیه رفیق مهدی مبنی بر اینکه پشت توصیه خیراندیشانه در مورد فضای رادیو واقعا یک اختلاف مهم سیاسی بر سر موضعگیری در قبال بحران و جنگ خاورمیانه نهفته بوده است، به این ترتیب، بخشا صحت فرضیه من در مورد نگرش و ملاحظات سیاسی ایشان را هم تأیید میکند. رفیق مهدی، ظاهرا بدون اینکه متوجه باشد که از مکالمه کوتاه ما قبل از شروع جنگ خلیج تا زمان نگارش پاراگراف "فضای رادیو" نزدیک به یکسال با سکوت ایشان در مورد اختلاف بر سر این


(فقط دو گام به پس)
باز هم در باره موضعگیری در مورد بحران خلیج منصور حکمت



روشنی نشان داد. اولین نکته‌ای که به چشم میاید اینست که رفیق مهدی خود صراحتا بر استنباط من از بحث "فضای رادیو" صحه میگذارد و مینویسد: "در همین رابطه است که من در قطعنامه اول از "تغییر فضای رادیو" صحبت میکنم". تصور میکنم این برای رفیق محمد شافعی آموزنده باشد. تشخیص "امتداد فکر" افراد، وقتی با سنت سیاسی‌ای طرف هستید که عدم صراحت و مبارزه از پهلو را به عنوان درایت و پختگی تقدیس

بخش مربوط به موضع دفتر سیاسی در قبال بحران خلیج در "تخطئه انقلاب" بخودی خود تأکید مجدد و صریحی است بر مصلحت‌گرایی ناسیونالیستی‌ای که در نوشته قبلی مورد انتقاد من بود. آنجا من برای نشان دادن در غلطین رفیق مهدی به این موضع فقط پارگراف "فضای رادیو" را داشتم، امروز خوشبختانه و یا متأسفانه این موضع تشریح شده و این مصلحت‌گرایی را میتوان به


علیه حکومت اسلامی متحد شوید!
 حسین مراد بیگی (جمه سور)
 صفحه ۳



طبق اطلاع رسیده از حزب کمونیست کارگری عراق، کارگران شرکت خطوط لوله های نفتی ناحیه شوعیبه در شهر بصره ، دست به اعتصاب جمعی زدند. کارگران استخراج نفت را متوقف کردند.



در حاشیه محاکمه برهان دیوارگر!
 خالد حاج محمدی



اکتبر می پرسد؟
 سیوان رضایی و ابوبکر شریفزاده

نشریه کنگره شماره ۱ ویژه کنگره اول حزب حکمتیست منتشر شد!
کنگره اول حزب حکمتیست روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر برگزار میشود!

دوستش دارند و مهمتر اینکه چقدر روی این حزب برای آینده شان حساب باز میکنند، به آن امید دارند و حاضرند زیر پرچم آن مبارزه کنند.

دو سال از تشکیل حزب حکمتیست میگذرد. دو سال پر تلاطم، دو سالی که جامعه و مردم با مسائل و جدالهای جدیدی دست و پنجه نرم کردند. حزب حکمتیست دو سال پیش با اعلام موجودیت خودش صرفا اعلام اراده یک عده کمونیست بود که تصمیم داشتند منشا اثری در زندگی امروز مردم باشند. اعلام این بود که کمونیسم و کارگر در ایران به یک چیز سیاسی کمونیستی، اجتماعی و قدرتمند و دخیل در صحنه سیاست نیاز دارد و اعلام این بود که ما مصمم هستیم چنین حزبی را بسازیم. دو سال پیش اعلام موجودیت این حزب صرفا اعلام اراده و عزم کمونیست‌هایی بود که حاضر نبودند صحنه سیاست را برای راست خالی بگذارند. امروز این کمونیستها قدمی بزرگی در ایجاد چنین حزبی برداشته اند.

حزبی رادیکال، ماگزیمالیست، سازش ناپذیر و کمونیست
این شروع کار ما است!
 اذر مدرسی
 azar.modaresi@gmail.com

حزب در ندیای سیاست و زندگی مردم و مبارزات آنها ایفا میکند. از اینکه این حزب در زندگی مردم و تلاششان برای رهائی از جنگ فقر و ستم و استثمار و سرکوب چه جایی را به خودش اختصاص میدهد، از اینکه وقتی نام این حزب را میرید مردم آنرا با چه چیزی تداعی میکنند، آنرا نماینده کدامیک از آرزوها و امیالشان میدانند، چقدر آنرا با آرزوهایشان چفت میبینند و

برای دیدن و سنجش موقعیت و جایگاه احزاب سیاسی فاکتورهای مختلفی را میشود در نظر گرفت. از ابعاد سازمانی و روابط سازمانی، آن، از تعداد نشریات و تیراژ آن، از ارزیابی خود این حزب در مورد موقعیتش، از ارزیابی مخالفین و دشمنان آن از این حزب و بالاخره از نگاه کردن از بیرون به این حزب، به نقش واقعی که این

دو سال از تشکیل حزب حکمتیست میگذرد. دو سال پر تلاطم، دو سالی که جامعه و مردم با مسائل و جدالهای جدیدی دست و پنجه نرم کردند. حزب حکمتیست دو سال پیش با اعلام موجودیت خودش صرفا اعلام اراده یک عده کمونیست بود که تصمیم داشتند منشا اثری در زندگی امروز مردم باشند. اعلام این بود که کمونیسم و کارگر در ایران به یک چیز سیاسی کمونیستی، اجتماعی و قدرتمند و دخیل در صحنه سیاست نیاز دارد و اعلام این بود که ما مصمم هستیم چنین حزبی را بسازیم. دو سال پیش اعلام موجودیت این حزب صرفا اعلام اراده و عزم کمونیست‌هایی بود که حاضر نبودند صحنه سیاست را برای راست خالی بگذارند. امروز این کمونیستها قدمی بزرگی در ایجاد چنین حزبی برداشته اند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



۱- میگویند به عراق هم میبایست برخورد شود اما نه اساسا در رابطه با اشغال کویت، بلکه در قبال خود مردم عراق مساله روز مساله اشغال کویت توسط عراق بود، همه دنیا از این حرف میزدند و اگر اصولا قرار بود کسی در ماه اوت ۱۹۹۰ "به عراق هم برخورد کند" انتظار میرفت راجع به این مساله موضع بگیرد. رفیق مهندسی معتقد است میشده اینکار را نکرد. در قبال این چیزی نگفت. یکی از سواالاتی که کمونیست برای رفیق مهندسی فرستاد این بود که در قبال اشغال کویت توسط عراق چه نظری دارید. آیا کسی در حزب کمونیست ایران هست که امروز، اوت ۱۹۹۱، بداند نظر رفیق مهندسی در قبال اشغال کویت چیست؟ آیا کسی در میان گفته ها و نوشته های ایشان جمله و سطری پیدا میکند که از آن بشود فهمید که بالاخره ایشان اشغال کویت توسط عراق را محکوم میکرده یا خیر، اگر آری چگونه و اگر نه چرا؟ آیا براستی وجود یک دفتر سیاسی که بقیه را از موضعگیری سیاسی و فکر کردن به مسائل پیچیده، و از آن مهمتر بعهده گرفتن مسئولیت موضعگیری علنی، معاف کند نعمت بزرگی نیست؟ بهرحال ما بدلالی که قبلا گفته شده نفس اشغال کویت را محکوم نکردیم ما از این سوال فرار نکردیم سوال را مشخصا طرح کردیم و جواب دادیم جالب اینجاست که با اینکه صراحتا گفته بودیم که عدم محکومیت اشغال کویت از روی ملاحظات سنتی ما در قبال عراق، یعنی مساله حفظ تشکیلات علنی و امکانات اردوگاهی مان در خاک عراق نیست، رفقای اصرار داشتند که میباید این را میگفتیم و

بعضا خودشان موضع دفتر سیاسی را اینطور به دیگران توضیح دادند. پانینتر که محتوای ناسیونالیستی و مصلحتطلبانه "به عراق هم باید برخورد میشد" را توضیح دادم جای این پافشاری را هم درکل تصویر جریانسونیالیستی ذکر میکنم ۲- شخصا منتهاست معنی "لبه تیز حمله" را از این برداریم و روی آن بگذاریم و یا ضمن اینکه از روی آن برنیداریم با این چنین و چنان کنیم را نمیفهمم جمله را میفهمم، اما منظور را نمیفهمم آیا منظور اینست که حجم تبلیغات ما علیه یکی از دیگری بیشتر باشد؟ آیا واقعا ما نودل بودیم که علیه کدام، آمریکا یا عراق، بلدیشتتر تبلیغ کنیم یا اینرهنموداز بلات کلیفی-درآمیسیم؟ ۳- آیا در پرتو شیوه برخورد قطعنامه های خود رفیق به اپوزیسیون ملی کرد و سکوت ایشان در مورد رابطه این اپوزیسیون با اپوزیسیون شیعی و اشاره های متعدد ایشان به قیام توده های در جنوب عراق بدون زدن تنشان به مساله اپوزیسیون اسلامی، باید ملاحظه ایشان در مورد جهت گیری اسلامی و توهامات فلسطینی ها به عراق ارجحی-بگیریم؟ ۴- میگویند باید در رابطه با خود مردم عراق به رژیم این کشور برخورد میشد. منظور سخن گفتن از مصائب مردم، ماهیت استبدادی و سرکوبگر رژیم و نظایر اینهاست. رفیق مهندسی در "تخطئه انقلاب" بارها این مصائب را، با لحنی آژیتاسیونی، برای ما میشارد و میگوید که در صحبت یکسال قبل با من هم چنین کرده است. چه ناموفق و چه امروز این کار بیبهره سبکی بوده است. اگر

قرار است افراد رهبری و دفتر سیاسی حزب کمونیست را نقد کنید باید مایه اینکار را داشته باشید. رفتن به این سنگر که گویا اینجا نمیدانند در عراق چه میگذرد و محتاج ارشاد توسط رفیق عبدالله مهندسی بوده اند و هستند از شما چهره برحق و یا حتی مطلعی تصویر نمیکند. چه کسی در درون و بیرون این حزب ممکن است این حرف و گوینده آن را جدی بگیرد؟

.....

با شروع بحران خلیج ناسیونالیسم کرد در عراق به تحرک میافتد. درست قبل از این ماجرا این جریانات به تاسی از فضای حقوق بشری در جریان تغییر ریل از مبارزه قهرآمیز علیه رژیم عراق به بسیج افکار عمومی و محافل سیاسی در اروپا و آمریکا حول مساله حقوق بشر بودند. بحران خلیج و مشاهده اینکه رژیم عراق دیگر نه توسط امثال ایران، بلکه توسط آمریکا و کل اروپای متحد قرار است زیر منگنه نظامی قرار بگیرد، بار دیگر عرصه نظامی و خیزش علیه رژیم را به عرصه اصلی ابراز وجود اینها تبدیل میکند. تضمین حقوق بشر در عراق جای خود را در مبارزه قهرآمیز علیه آن میدهد. این بار افق روشن تر است. نه فقط "کمونیستها"ی رفیق مهندسی، بلکه مقدم بر آن ناسیونالیسم کرد یاد "پتانسیل قوی اعتراض و قیام در این جامعه" میافتند. در حالی که جریانات کرد عراقی نیروی مسلح خود را برای شرکت در جنگ آتی برق میاندازند و به رخ دیگران میکشند، حداقل انتظار آنها از ناسیونالیستهای کرد غیر عراقی

اینست که سکوت سنتی خود در قبال رژیم عراق را بشکنند. محافل کرد عراقی به روشنی این انتظار را نشان میدهند. در معادلات جدید آنها خودداری بیش از این از انتقاد به عراق در چنین تلافی سیاسی، و بزودی نظامی، تعیین کننده ای میان اپوزیسیون کرد و رژیم عراق، پشت کردن به امر کرد و گرفتن موضع پرو-عراقی تلقی میشود. محافل کرد عراقی در اروپا روی کارهای سنتی کومه له در خارج کشور و محافل راست در داخل حزب فشار میگذارند، و لازم نیست زیاد هم زحمت بکشند، چون نیم بیشتر باورها و پیش بینی ها و توهاماتشان مشترک است.

.....

آنچه گفتیم روشن میکند که چرا ناسیونالیسم کرد در حزب برخورد به عراق را در مقطع بحران خلیج ضروری و مطلوب میدانند. اما هنوز باید این را هم نشان داد که چرا کسانی اینچنین حساس به مساله رابطه با عراق این برخورد را مقنور هم میدانند. پاسخ این سوال روشن است اولاً، آمریکا اجازه حمله تبلیغی به عراق را صادر کرده است و رسانه های عمومی چنان فضایی را بوجود آورده اند که هر رنگ جماعت شدن در نظر نولتها و نیروهای سیاسی مختلفی که حتی رابطه سیاسی و تجاری محکمی با عراق دارند توانی بیار نمایند. جناب خامنه ای هم با همین حساب به عراق در رابطه با شیعیان جنوب حمله کرد و پس از ختم ماجرا با همین استدلال از زبان نماینده اش در سازمان ملل که "فقط ما نبویم که، تمام دنیا همین را گفتند" در مقابل

اعتراض عراق به دخالت جمهوری اسلامی در امور داخلی اش از خود دفاع کرد. ثانیاً، و از این مهم تر، "آمریکا" در تصویر رفیق مهندسی در برابر "رژیم عراق" قرار گرفته و قرآن چنین نشان میدهد که عراقی در کار نخواهد بود که بعدا گریبان کسی را بگیرد. زیر دست و پلست و لگدی از طرف ما توانی ندارد. خلاصه کلام، برخلاف گذشته برخورد به عراق تماما در یاد نیروهای موتلف و با انتظار سرنوشتی رژیم عراق مقنور شده. نه فقط لازم است پیشینه انتقادی ساخته شود و برای این مولفه جا باز شود، بلکه این کار دیگر ظاهرا توان و خسارتی در بر ندارد. این فرمول پشت اصولی است که در هوا چرخانده میشود. معضل من با این برخورد، اخلاقی نیست. مساله من اجتناب از ضعیف کنشی در قبال رژیم عراق نیست، بلکه نشان دادن شباهت این ارزیابی با توهامات اپوزیسیون ملی در کردستان است که او هم همه چیز خود و مردم کردستان را وارد این قمار میکند. اگر رفیقی، که نوست داشته در جزوه اخیر خود بعنوان سمبل درایت و پیش بینی و حفظ توازن نوستان و دشمنان در برابر یک دفتر سیاسی کله شق ظاهر شود، چنین برخوردی را ممکن و مقنور میدانند از اینروست که در محاسبات رایج در محافل ملی، که نادرستی خود را عملا نشان داد، شریک است. نوقوزنگی ها و "چرا و چگونه" های رفیق مهندسی و اصول وی در مورد برخورد به عراق همه مشتقات محاسبات سیاسی زمینی و قابل توضیحی هستند.

حزبی ماکزیمالیست... از ص ۱

که از بیرون به این حزب نگاه میکند میتواند وجود این حزب را نه فقط در داشتن سیاستهای روشن، رادیکال، متفاوت و حرفهای خوب، که قطعاً برای یک حزب کمونیستی ضروری است، بلکه در جدالهای سیاسی جدی جامعه ببیند. امروز نه به ادعای خود این حزب بلکه در صحنه سیاست حضور این حزب قابل مشاهده است، حزب حکمتیست امروز در مبارزه مردم و در نینای سیاست پدیده ای غیر قابل حذف است، نوست و دشمن حضور این حزب را بخوبی احساس میکند. در دوره ای که انواع جریانات قومی تلاش کردند با هویت تراسی

کاذب نفرت قومی را میان مردم دامن بزنند مردمی که حاضر نبودند مثال هیچ نوع هویت کاذبی را به گردن بیندازند، حاضر نبودند گوشت دم توپ مثنی فاشیست قوم پرست شوند تقابل بدون تخفیف و دشمنی عمیق این حزب با هر نوع ناسیونالیسم و هویت تراسی کاذب، با هر نوع آرا و افکار ارتجاعی و عقب مانده، بستن سدی قوی در مقابل این ناسیونالیسم ارتجاعی را دیده اند، و در وجود این حزب عرق انسانیت و هویت انسانی شان را باز مییابند.

در دوره ای که سناریوهای مختلفی برای به سیاهی کشیده زندگی مردم نوشته شده و خطر به تباهی کشیدن جامعه سایه سیاهش را بر زندگی مردم انداخته است. مردمی که نمیخواهند خود و کودکشان

قربانی آینده ای مانند مردم عراق شوند قدرت خودشان را در مقابله با چنین جهنمی، قدرت و امیدشان را برای سازمان دادن مبارزه ای متحدانه و ملیتات مردم علیه هر نوع دست درازی به زندگی امروز و آینده شان، برای دفاع از زندگی، امنیت، منبیت و آسایش شان را در قدرتمند شدن این حزب و گذاردن آزادی آن میبینند. این حزب محمل متحد و قدرتمند شدن مردم است. در دوره ای که با دامن زدن به عرق کاذب قومی تعرضی آشکار به آزادی بیان و عقیده شروع شد و بخشی از اپوزیسیون با دامن زدن به این عرق ملی سیاهس کشگر تعرض سازمان یافته و نولتی به آزادی بیان شدند، مردم این حزب را بعنوان نماینده دفاع بدون قید و شرط آزادی بیان و عقیده، بعنوان

حزب متحد کننده و سازمانده، حزبی جسور، با درایت، با سیاستی رادیکال و متمایز میشناسند.

دو سال پیش ما اعلام کردیم میخواهیم حزبی کمونیستی، اجتماعی، موثر در زندگی مردم و قدرتمند بسازیم. امروز قدمهای بزرگی در این راه برداشتیم. امروز رد پای این حزب را در اعتراضات دانشجویی، در اعتراضات زنان، در زیر ضرب گرفتن و تنگ کردن میدان به جریانات ناسیونالیست از راست تا چپ آن، در متحد و مسلح کردن مردم در گارد آزادی میتوان به خوبی مشاهده کرد. امروز وجود حزب حکمتیست امید بخشی از مردم و جامعه است که آنرا با انسانیت، رادیکالیسم، برابری طلبی

و عدالتخواهی، متحد و متشکل کردن مردم، با حزب آزادی و برابری تداعی میکنند. رد پای این حزب را در میان مردم از کردستان تا اصفهان، مشهد و تهران میتوان دید.

ما طی این دو سال راه چند ساله را پیموده ایم، راهی سخت اما پر از موفقیت. اما هنوز راهی سخت تر، موانعی جزیتر را در مقابل خودمان داریم. هنوز تا تبدیل شدن به رهبر انقلاب آتی مردم کارهای زیادی داریم که باید انجام بدهیم. این هنوز شروع کار ما است.

اوت ۲۰۰۶

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

علیه حکومت اسلامی متحد شوید!

حسین مرادیگی (حمه سور)

اسلامی را در ایران سرپا نگهدارند.

علیرغم بالا رفتن قیمت نفت هیچ گشایش اقتصادی در ایران در چشم انداز نیست. همزمان با سرکوب و گسترش خفقان اسلامی، بیکاری و بیکارسازی ها، گرانی روز افزون و فقر و فلاکت کمر شکن همچنان رو به گسترش است. مبارزه با فقر و فلاکت هم اکنون به یکی از مسائل مهم این جامعه تبدیل شده است. فشار بر زندگی روزانه طبقه کارگر را ظاهراً پایانی نیست. اخراج و بیکارسازیها و قراردادهای موقت تازه پیشبرده یورش سازمان یافته دیگری به معیشت روزانه کارگر و خانواده های کارگری است که حکومت اسلامی قرار است آن را با موج خصوصی سازیها شروع کند. دستگیری و اخراج کارگران و فعالین کارگری معترض به این شرایط برده وار، روی دیگر سکه

جمهوری اسلامی 27 سال تمام است با یک جنگ تمام عیار علیه مردم ایران، روز خود را به شب و شب خود را به روز میرساند. میکشد، میگیرد، می بندد، مرعوب میکند، چنگ و دندان نشان میدهد، در اثر فشار مردم عقب می نشیند و هر وقت فرصت یافت توباره یورش میکند. جنگ و گریزی واقعی که جز با از میان رفتن جمهوری اسلامی و یا به تمکین کشاندن کامل مردم ایران پایانی بر آن متصور نیست. هیچ رژیمي را در جهان نمیتوان یافت که به اندازه جمهوری اسلامی مورد تنفر مردم باشد، هیچ رژیمي را در جهان نمیتوان یافت که مانند جمهوری اسلامی از مردم آن کشور وحشت داشته باشد. حجم بیشتر درآمدهای مردم ایران را به این خاطر دستگاه سرکوب و ترور و ارباب رژیم اسلامی می بلعد تا با آن هیولای

تهاجم حکومت اسلامی سرمایه به طبقه کارگر برای عقب راندن کارگزار مبارزه و حرکات اعتراضی در احقاق حقوق خود علیه دولت و کارفرما است. بهزاد سهرابی یکی از نمایندگان کارگران در کارخانه پرریس سنندج (نمونه ای از دهها نمونه از فعالین کارگری و نمایندگان کارگران است که هم اکنون برای سلکت کردن دیگر کارگران در معرض اخراج و بیکار سازی جمهوری اسلامی قرار دارد. یورش جمهوری اسلامی سرمایه در ایران اما تنها به طبقه کارگر محدود نمیشود. همزمان، حمله به دیگر اقشار جامعه نیز در ابعاد اقتصادی و اجتماعی رو به افزایش است. ایجاد فضای جنگی و جنگی جلوه دادن فضای جامعه ایران توسط جمهوری اسلامی، حتی اگر شده تصنعی، تلاش آگاهانه دیگر جمهوری اسلامی است در تشدید سیاست ارباب و سرکوب خود علیه طبقه کارگر و دیگر مردم آزادیخواه ایران. آشکارا به حریم شخصی شهروندان جامعه تحت

عنوان جمع آوری ماهواره هجوم میبرند. جوانان را در شهرهای مختلف تحت این نام که در حرکات اعتراضی علیه جمهوری اسلامی شرکت کرده اند، مرتباً به دادگاه احضار میکنند. فشار خود را به معترضین به جمهوری اسلامی افزایش داده اند. انیت و آزار جوانان در ملاء عام را شروع کرده اند. تعداد اخطار ها و تهدید ها افزایش یافته است. بر اثر تیراندازی مزدوران رژیم اسلامی به مردم در نقاط مختلف کردستان ایران تعدادی جان خود را از دست داده اند. در شهر اشنویه عده ای را به بهانه های مختلف دستگیر کرده اند، روزنامه های بیشتری را بسته اند و آمار اعدام و دستگیری ها رو به افزایش است. این وضعیت را نباید تحمل کرد. باید یورش جمهوری اسلامی به طبقه کارگر و دیگر مردم آزادیخواه در ایران را عقب زد. نباید اجازه داد حکومت اسلامی به بهانه فضای جنگی، سیاست سرکوب و ارباب خود را گسترش دهد. باید در مقابل

جمهوری اسلامی ایستاد. برای این کار باید حرکات اعتراضی و حمایتی کارگران از مبارزات دیگر کارگران در هر شهر و هر مرکز کاری را سازمان داد. دست دست همدیگر بگذارید. متحد شوید و خود را سازمان دهید. از رهبران و نمایندگان خود که نمیخواهند به این شرایط برده وار تن در دهند قویا حمایت کنید. حمایت و همبستگی مبارزاتی خود را در هر محله و شهر و مرکز کاری ای که هستید به جمهوری اسلامی و کارفرمایان و مزدوران رژیم اسلامی نشان دهید. مردم محلات مختلف شهرها را به حمایت از مبارزات خود فراخوان دهید. یورش جمهوری اسلامی به زندگی خود را عقب برانید. همدیگر را تنها نگذارید از مبارزات هم حمایت و پشتیبانی کنید. علیه جمهوری اسلامی متحد شوید!

21 اوت 2006

اکتبر می پرسد؟



ابوبکر شریفزاده

اکتبر:

شما در این مدت امکان پیدا کردید که با جمعی از مردم دیدار کنید، همه میگویند که مردم از دست این وضعیت به تنگ آمده اند، با توجه به مشاهداتن معضل اصلی مردم برای رهایی از شر جمهوری اسلامی چیست؟

ابوبکر شریفزاده:

اجازه بدهید يك راست و بدون مقدمه وارد بحث شویم اگر از بحث کردستان عراق صرف نظر نکنم راستش ساعتها وقت و توضیح کلیت بازگو کردن مشکلاتی که مردم دست بگریانند را نمی کند. بنابراین آنچه هدف بحث من است طبقاً کردستان عراق نیست. اما در

مورد دیدار و ملاقات با مردمی که از ایران آمده و می آیند و بعضاً ساکن عراقند و آنجا کار می کنند من به سهم خود عده ای زیادی را ملاقات کردم صحبتی که اینجا به آن اشاره می کنم به عنوان يك حقیقت دارم تعریف می کنم در يك جمله مردم به تمام وضعیت موجود معترضند و برای ناراضیاتی خود هزار و يك دلیل دارند که صد در صد حق به جانبند. مردم آزادی می خواهند که ندارند. مردم امنیت می خواهند که ندارند، رفاه، آسایش، عشق، دوست داشتن، حق سفرو آزادی پوشش و..... می خواهند که ندارند. خیلی ساده خصوصاً نسل بعد از انقلاب که تجربه هیچ شکست و سرکوب و جنگی را جز جنگ با رژیم را ندارند. راحت می گویند ما چرا نباید در قرن بیست و یکم مثل انسان زندگی کنیم این چه جهنمی است که يك مشت وحوش اسلامی برای ما درست کرده اند. مردم بیشماري به بهانه های مختلف عراق را میبینند و قضاوت میکنند که چه جهنمی بدتر از رژیم اسلامی را برای مردم تحت نام به حق دولت کردی و خودی، و فدرالی سازمان داده اند.

ناراضیاتی مردم عراق بجای خود مردم ایران هم خوب معنی و مفهوم فدرالیسم را فهمیده اند. و خوشبختانه بموازات این درك حنای احزاب راست و ناسیونالیست و فدرالیستهای محلی در ایران رنگ باخته و هر روز دامنه نفوذ، فشار و باجگیر هایشان از مردم محدودتر می شود. طبقاً مردم ایران باید هوشیار باشند و گول احزاب ملی و مذهبی و قوم پرست را نخورند. اشاره کردم که مردم رفاه آسایش و امنیت و در يك کلمه آزادی را میخواهند. بی شك پرچمدار این خط به قاطعیت ریاضی میتواند حزب حکمتیست باشد که خوشبختانه مردم نگاه ها را متوجه آن کرده اند که این نگاه و تمایل وظایف حزب را ده چندان بیشتر می طلبد. کسانی که من ملاقات کردم و خیلی هم زیاد بودند از هر دو کشور خیلی مشتاق دیدار و تماس با حزب ما بودند. کمتر کسی را دیدم که با سیاستهای حزب مخالف باشد. اما يك امیلي را داشتند. که تمام ماجرا و مشکل همینجاست و سوال می کردند چگونه و کی این نیای بهتر یکبار برای همیشه تحقق خواهد یافت.

جمهوری اسلامی باخطر يك توهم و خوشبختی از یکسو و از سوی دیگر و بسیار مهم حالت تماشایی و نظاره گری مردم بدانید این به ضرر است فرصت کم است امروز روز انتخاب درست و انتخاب يك نیای بهتر که برنامه و اهداف آن فقط و فقط در دست حزب حکمتیست است و اگر فرصت را از بدهیم و اگر نظاره گر باشیم و بنتر از همه منتظر باشیم دستی از آسمان ما را نجات دهد، بازنده مردم خواهند بود. احزاب قوم پرست و فدرالیست چي فردا جنگ خانه به خانه کوچک و محل و مدرسه را سازمان می دهند کما انکه در گذشته شاهدش بوده ایم باید انتخاب درست کرد. فردا دیر است اگر نه فردا باید چون یوگسلاوي شاهد تکه پاره کردن مردم، لت و پار شدن کودکان همبازي و بیخبر از هر ملیت و مذهبی در ایران باشیم. در خاتمه برای تقویت صف آزادی خواهی و رهایی تك تك خود و بچه هایمان به حزب حکمتیست بپیوندد.

طبق اطلاع رسیده از حزب کمونیست کارگری عراق، کارگران شرکت خطوط لوله های نفتی ناحیه شوعیبه در شهر بصره دست به اعتصاب جمعی زدند. کارگران استخراج نفت را متوقف کردند. کارگران نفت شوعیبه در بصره خواهان: پرداخت حقوق معوقه، افزایش دستمزد، بهبود امانات و ابزار کار، پرداخت مزایا و اضافه کاری، پرداخت حقوق ایاب و ذهاب، تامین ترانسپورت و تامینات اضطراری جهت منتقل کردن کارگران بیمار و مصدوم هستند. این در حالی است که مدتی قبل کارگران کارخانه سیمان در شهر سلیمانیه نیز با خواست های مشابه دست به اعتصاب زدند و مورد یورش مسلحانه واقع شدند. شهرهای عراق روزانه به صحنه جدال برای نجات از این فلاکت مبدل شده است. طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در عراق از شر سناریو فقر و جنگ به ستوه آمده اند. نیروی متحد مردم کارکن و زحمتکش عراق میتواند سناریوی جاری را به نفع بشریت دگرگون کند.

اکتبر

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اکتبر می پرسد؟



سیوان رضایی

اکتبر:

بخشی از فعالیت شما در پروژه قابل دسترس کردن ادبیات کمونیسم منصور حکمت و حزب حکمتیست است، دلیل انتخاب و فعال بودن شما در این پروژه چیست؟

سیوان رضایی:

جمهوری اسلامی در طول حیات خود به شیوه های گوناگون کوشیده است مانع اشاعه افکار کمونیستی و برابری طلبانه در ایران بویژه در میان کارگران و جوانان شود با دستگیری و شکنجه و اعدام فعالین کمونیست کوشیده است رعب و وحشت در میان مردم راه بیندازد و کسی جرأت نکند حتی در خلوت

خود به ایده های کمونیستی و برابری طلبانه و انسانی بیاندیشد. از طرف دیگر با در دست داشتن کل مدیا در ایران از رادیو تلویزیون روزنامه و مساجد و هزاران ابزار دیگر کوشیده است تا جاهل و خرافه را بجای حقیقت به خورد مردم بدهد. و از طرف دیگر دولتهای غربی امکانات وسیعی در اختیار اپوزسیون راست پرو غربی گذاشته تا مسیر مبارزاتی مردم را به سوی ببرند که آمریکا و دول غربی با بلند گویهای تبلیغاتی در جریان مبارزات مردم در سال 57 کردند. با توجه به این همه نتوانسته اند مبارزات کارگران و توده های مردم را برای آزادی و برابری خفه کنند و هر روز در گوشه و کنار ایران شاهد مبارزات کارگری و زنان و جوانان برای دستیابی به یک زندگی بهتر جهت تسریع جنبش سرنگونی و هم خط کردن جهت دار کردن این مبارزه و هدایت آن به سوی یک دنیای بهتر کمونیستها و انسانهای

برابری طلب باید به هر شیوه ممکن افکار و نظرات برابری طلبانه حزب حکمتیست که دفاع از منافع مردم است را در میان آنها اشاعه داده و ادبیات حزب، از نوشتاری تا سی دی های صوتی و تصویری را به شیوه های مختلف به دست مردم برسانند. یکی از ابزارهای مهم و تعیین کننده حزب حکمتیست افکار انسانی و به شدت برابری طلبانه است که در نشریات و سخنرانیهای رهبری و کلرهای این حزب منعکس میشود و رساندن آن به دست مردم در سطح وسیعی میتواند در مدت زمان کوتاهی کل فضای جامعه را به نفع برابری طلبی تغییر دهد و کار فعالین کمونیست را به مراتب آسانتر خواهد کرد و دیگر جمهوری اسلامی توانای تقابل با میلیونها انسان حامی افکار حزب حکمتیست را نخواهد داشت حزب حکمتیست متعلق به کل انسانهای است که از کشتار، استعمار، نابرابری، سنگسار، کودتک آزاری و هزاران مصیبت دیگر این

جامع سرمایه داری به تنگ آمده اند. موضع کار فعالین کمونیست تنها محقق کوچک و چند نفری نیست که ادبیات حزب را به دستشان برسانند بلکه کل مردم را باید در بر بگیرد چون خطاب ادبیات و نشریات و رهبران و کلرهای حزب کل مردم است موضوع کار ما تغییر زندگی کل بشریت است. با پخش وسیع نشریات و سخنرانیهای رهبری حزب در میان مردم و دسترس قرار دادن آن در جامعه کل مدیای سرمایه داری را با مشکل جدی روبرو خواهد کرد. مدیای طبقات حاکم بر روی دروغ و جهل و خرافه سوار است با زندگی واقعی مردم در تقاض است این را مردم ترک میکنند ولی همچنانکه در بالا گفتم دلیل عدم وجود آلترناتیو دیگر که کل حقیقت را به جامعه بگوید مردم سردرگمند و در این سر در گمی است که احزاب ارتجاعی از ناسیونالیستهای کرد و ترک گرفته تا جریانات فاشیستی مذهبی مسیر

مبارزه مردم را به آسوی خواهند برد که خورشان میخوانند. برای تکثیر ادبیات و نشریات حکمتیست باید ابتکارات گوناگونی بکار برد استفاده از کامپیوتر خود دوستان برای تکثیر سی دی های صوتی و تصویری، از چاپ خانگی برای تکثیر چند نسخه کمونیست ویا اکتبر و نشریه جوانان کمونیست و نوشته های دیگر حزبی. هیچ مدرسه و یا کتابخانه، کارخانه، مراکز تولیدی، نباید از نشریات و ادبیات حزب بی بهره باشد با حفظ مسئله امنیت میتوان کاری کرد مردم که از خواب بیدار میشوند با همدیگر بر سر نشریات حزبی با دوستانشان بحث کنند این یکی از شیوه های مهم و کاراست که میتوان فضای جامعه را تغییر داد و محلات و شهرها را مال خود کرد.

در حاشیه محاکمه برهان دیوارگر!

خالد حاج محمدی

ارگان هستند و هر دو برای یک هدف و در یک راستا کار میکنند. دانشگاه و عدلیه ای در جمهوری اسلامی موجود نیست. اینها ابزار کشتار مردم بیش نیستند. برهان دیوارگر بعد از تهدید به کشتن و ترور ایران را ترک کرد اما انگار محکمه و دادگاهی و اعلام جرم علیه او هنوز ادامه دارد. هدف از این ماجرا برهانهای دیگر است. معلوم است که قرار است با بریدن زبان اعتراض برهانها، کارگر و زن و مردم معترض را به تمکین وادارند. محکمه و دادگاهی کسی که دیگر در دسترس نیست، شاید به ظاهر بی معنی باشد، اما مجرم دانستن و محکوم کردنش ابزار تحمیق کارگر و زن و مرد معترضی است که روزانه با

روز شنبه ۲۸ مرداد خبرگزاری کار ایران اعلام کرد که "جلسه رسیدگی به اتهامات برهان دیوارگر، از بازداشت ۱۳۸۳ روز جهانی کارگر سال ۸۳ در شهرستان سقز صبح امروز در شعبه اول دادگاه انقلاب سقز برگزار شد". برهان دیوارگر فعال کارگری شناخته شده و از مدافعین حقوق کودک منتهی قبل بعد از تهدید به کشتن و فشارهای نیروهای امنیتی مجبور به ترک ایران شد. منتهی قبل مسئولین اطلاعات رژیم در شهر سقز مستقیماً برهان و خانواده اش را تهدید به ترور در خارج کشور کردند. دادگاه انقلاب سقز و تهدید به ترور برهان هر دو جزو یک

نمایندگان مردم حق طلب امری روزانه است. اما کل ماجرا این است که آیا راهی موجود است. آیا راه انداختن موج اعتراض علیه این توحش افسار گسیخته وجود دارد. برای اعتراض به هر محاکمه و دادگاهی کردنی در هر نقطه ایران، از شرکت واحد تا پریس سندج و تا شهر سقز به ما مربوط است و در هر سطح و به هر شیوه که ممکن است باید اعتراض کرد. اعتراض را سازمان داد. باید یادشان داد که زمان قلدری و قمه چرخانی اسلامی به پایان رسیده است. باید یادشان داد که هر جا علیه کارگر و زن و مردم و جوان حق طلب دست بلند کنند، مردم را علیه شان به میدان میاوریم این کار از ما ساخته است. خالد حاج محمدی khaledhaji@yahoo.com

طبق اطلاعیه های رسیده از کمیته کردستان حزب حکمتیست:

بهباد سهرابی یکی از نمایندگان کارگران در کارخانه پریس سندج مورد تهدید و اخراج از طرف صاحبان سرمایه، نیروهای امنیتی و اداره کار است.

روز شنبه ۲۸ مرداد کارگران کارخانه پریس سندج به تصمیمات جدید مدیریت اعتراض کردند. همه دستگاه ها را خاموش و در حیات کارخانه تجمع کردند. اعتصاب از ساعت ۸ شروع شد و ۵۰ نفر از ۵۷ نفر کارگران کارخانه در آن شرکت داشتند.

بعداد ظهر امروز یکشنبه مرداد نیروهای انتظامی رژیم در سردشت بقصد مصادره مقادیری بنزین در یک منزل مسکونی در محله "کاشی مه ری" به آنجا هجوم برده که بلافاصله با مقاومت ساکنین روبرو شده و مردم زیادی تجمع کرده و به مقاومت پیوستند که کار به زدو خورد و درگیری متقابل انجامید. مردم با سنگ و چوب از خود دفاع میکردند و مزدوران با تیراندازی و پرتاب گاز اشک آور به آنان هجوم کردند. در اثر تیراندازی مزدوران رژیم تا رسیدن این خبر چهار نفر بشماهای زیر مجروح و به بیمارستان شهر منتقل شدند:

رایحه رشید زاده ۴ ساله
شیرین قادری ساله
شادی احمدیان ۶ ساله
خالد قادرزاده ساله

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بپیوندید!